

# شناخت بازار کار و نیازهای امروزی کشور

## الهه راستگو

درصد بوده است که عدم امکان یافتن کار مناسب در روستاها همچنین عدم برخورداری از امکانات اولیه زندگی در روستاها موجب مهاجرت نیروی کار از مناطق روستایی به شهرها شده در مقابل، این مهاجرتها هم سبب شده که بخش عمده جوانان کشور در شهرها متمرکز شده و مسائلی چون بیکاری، کمبود مسکن، کمبود خدمات آموزشی - بهداشتی و... به طور جدی در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ بروز نماید.

کشور در مقاطع مختلف زمانی، شالوده‌ای جهت تعیین روند جاری و تغییرات حاصله در بازار کار و وضعیت اشتغال است، اطلاعات مربوط به ساختار نیروی کار، پایه‌ای برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل سیاستهای اقتصادی کلان کشور به وجود می‌آورد.

بررسیهای انجام شده در این خصوص نشانگر این واقعیت است که فرایند کاریابی در وضعیت موجود با مشکلات و تنگناهای زیادی مواجه است، به طوری که تعداد فرصتهای شغلی کسب شده توسط مراکز خدمات اشتغال در مقایسه با تعداد افراد جویای کار بسیار اندک است. دلایل عمده کمبود فرصتهای شغلی کسب شده علاوه بر وضعیت کلی اقتصادی کشور، عدم وجود مکانیزمهای مناسب جهت کسب فرصتهای شغلی و عدم ضمانت اجرایی مؤثر در زمینه به کارگیری و جذب نیروی انسانی مورد نیاز بخشهای مختلف از طریق مراکز خدمات

انسان موجودی است اجتماعی که از طریق کار شخصیت او رشد می‌یابد و می‌تواند در پیشبرد اهداف جامعه مشارکت کند.

اشتغال مفید و مولد دارای اهمیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بالاتر از همه اعتقادی است تا آنجا که بزرگان دین اسلام کار را عبادیت مستمر و فراتر از یک تلاش صرفاً مادی برای تأمین معاش دانسته‌اند.

ما در کشور خودمان با معضل بیکاری و اشتغال ناقص نیروی کار روبرو هستیم و خلق فرصتهای شغلی جدید به اندازه کافی و با دستمزدهای منطقی به یکی از بزرگترین مسائل کشور تبدیل شده است.

رشد فرصتهای شغلی در مناطق روستایی بسیار کم بوده و امکان بهره‌گیری از نیروی کار در طول زمان بسیار محدود شده به نحوی که در فاصله سالهای ۷۰-۳۵ تعداد شاغلین جوان مناطق شهری به طور متوسط، سالانه بیش از ۷/۸ درصد افزایش یافته درحالی که این نرخ برای مناطق روستایی ۲/۱۲

درصد بوده است که عدم امکان یافتن کار مناسب در روستاها همچنین عدم برخورداری از امکانات اولیه زندگی در روستاها موجب مهاجرت نیروی کار از مناطق روستایی به شهرها شده در مقابل، این مهاجرتها هم سبب شده که بخش عمده جوانان کشور در شهرها متمرکز شده و مسائلی چون بیکاری، کمبود مسکن، کمبود خدمات آموزشی - بهداشتی و... به طور جدی در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ بروز نماید.

تقاضا برای نیروی کار مانند عرضه آن تابع عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است ولی بخش عمده تحولات عرضه نیروی کار، ناشی از عوامل جمعیتی است.

ساختار جمعیتی کشور بر بازار کار تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. رشد مشاغل ایجاد شده در کل کشور هم متناسب با رشد عرضه نیروی کار نبوده است و این عدم تعادل در تمامی نقاط کشور هم یکسان نمی‌باشد.

اشتغال سراسر کشور می‌باشد.

رای دستیابی به شناختی صحیح از تنگناهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بازار و تحلیل دقیق از وضعیت موجود و همچنین ترسیم چشم‌انداز آینده بازار کار شناخت این بازار (عرضه و تقاضا) بسیار ضروری است. در این خصوص داشتن آمار و اطلاعات جامع از وضعیت عرضه و تقاضا، حرکات بازار و روند موجود در آن ضرورت می‌یابد.

«کاریابی» فرآیندی است که طی آن جویندگان پس از ثبت نام در مراکز پستی برای کارگماری به کاریابی یا مراکز خدمات اشتغال مراجعه می‌نمایند؛ در این حال در صورت نیاز برای کسب و یا ارتقاء مهارت به مراکز آموزش و حرفه‌ای معرفی می‌شوند.

در صورت انطباق مهارت و یا تخصص جوینده کار با نیازهای بازار کار، براساس فرصتهای شغلی اعلام شده از سوی کارفرمایان، نسبت به هدایت آنان به سوی فرصتهای شغلی متناسب با استعداد و تواناییهای آنها به مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی اقدام می‌گردد. در صورت تشخیص توانایی و تمایل

جویندگان کار برای اشتغال به صورت مستقل یا خوداشتغالی، زمینه‌های لازم (اعطای تسهیلات برای تهیه ابزار و موارد مورد نیاز، واگذاری غرفه برای عرضه کار و خدمات) برای شروع فعالیت آنان در بخش غیرمزدبگیری اشتغال فراهم می‌گردد.

### □ تقاضا برای نیروی کار مانند

#### عرضه آن تابع عوامل

#### اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

است ولی بخش عمده

تحولات عرضه نیروی کار،

ناشی از عوامل

جمعیتی

است.

وقتی بحث اشتغال زنان به میان

می‌آید تعداد زنان کارمند در ذهن متبادر

می‌شود درحالی که بالاترین میزان

اشتغال به زنان روستایی و خوداشتغال

شهری اختصاص دارد.

آمارها حاکی از آن است که اگر چه در

بخش صنعت سهم اشتغال زنان بیشتر از

بخش کشاورزی است ولی از سالهای ۵۵ تا کنون اُفت شدیدی داشته است، به گونه‌ای که سال مذکور تا سال ۶۵ بطور متوسط سالانه ۱۰٪ کاهش داشته و سهم زنان که قبلاً ۳۸/۲٪ اشتغال صنعتی را تشکیل می‌داد به ۱۴/۵۲٪ تنزل یافته است. بیشترین کاهش در این زمان مربوط به صنعت نساجی است که از سهم ۶۰٪ به ۳۰٪ کاهش یافته و یکی از علل این کاهش را باید عدم داشتن مهارت‌های لازم برای ورود به بخش صنعت دانست. در خلال ده سال به فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به دلیل فقدان توجه به مسائل اشتغال زنان، بیکاری آنان روند صعودی داشته به گونه‌ای که بیکاری در میان زنان در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵، ۴۰/۵ درصد رشد داشته است.

تعداد زنان بیکار در سال ۱۳۷۰

نسبت به سال ۱۳۶۵ از رشدی معادل

۱۹/۵ برخوردار بوده است؛ تعداد زنان

بیکار در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال

۱۳۷۰ کاهش یافته و به ۳۱/۶۵ درصد

رسیده است. (جدول شماره ۱)

جدول شماره (۱)

سال	زنان فعال ده‌ساله و بالاتر (هزار نفر)	تعداد زنان بیکار (هزار نفر)	نسبت بیکاری (درصد)
۱۳۵۵	۱۴۴	۲۳۷	۱۶/۶۳
۱۳۶۵	۱۳۰۹	۳۲۳	۲۵/۴۴
۱۳۷۰	۱۶۲۹	۳۹۸	۲۴/۴۳
۱۳۷۵	۲۰۳۷	۲۷۲	۱۳/۳۶

در سالهای اخیر فشار بر بازار کار و تقاضا برای مشاغل از سوی دو گروه از زنان بیشتر مطرح بوده است. گروه اول زنان تحصیلکرده و آموزش دیده در سطح عالی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و گروه دوم زنان

فاقد مهارت و دانش فنی.

می‌دارد.

عدم تطابق نیازهای بازار کار با مهارت‌ها و دانشهای زنان مهمترین عامل بازدارنده زنان از مشاغل گوناگون است و زنان را به طور پیوسته از دستیابی به مشاغل هم‌مطراز با مردان دور نگه می‌دارد. بررسی آمارهای موجود در مراکز خدمات اشتغال در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ نیز حاکی از آن است که زنان نسبت به مردان کمتر به کار گمارده شده‌اند.

جدول شماره ۴) تعداد به کارگمارده شدگان در بخش مزدگیری به تفکیک جنس در سراسر کشور طی سالهای (۱۳۷۵-۱۳۷۰)

سال	شهری		روستایی	
	مرد	جمع	مرد	زن
۱۳۷۰	۲۱۰۷۷۳	۲۴۴۸۲۷	۱۰۱۸۹۸	۷۸۳۸
۱۳۷۱	۴۴۹۳۴۳	۵۳۳۵۲۳	۶۰۲۵۰	۵۳۰۵
۱۳۷۲	۲۲۹۰۲۶	۲۸۶۰۷۴	۵۲۲۸۸	۵۰۰۹
۱۳۷۳	۲۱۲۹۸۷	۲۹۳۸۸۱	۴۴۴۳۹	۵۳۹۳
۱۳۷۴	۲۱۹۴۲۴	۳۲۷۲۰۰	۴۸۷۱۵	۶۷۴۸
۱۳۷۵	۳۰۷۱۲۱	۴۸۲۸۶۴	۵۲۵۵۹	۶۶۳۱

مأخذ: تصویر بازار کار - وزارت کار و امور اجتماعی - معاونت اشتغال

تصور بر این است که در برنامه‌ریزی اشتغال زنان فاقد برنامه‌های رسمی هستیم. بنابراین نیازمند به یک برنامه استراتژیک می‌باشیم که در این راستا می‌توان سیاست‌های زیر را مطرح کرد: - سیاست اصلاح ساختار روند اشتغال زنان.

- ایجاد سیستم‌های نوین جهت بالا بردن کارایی و استفاده از توانایی‌های زنان.

- استفاده از دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت و بلندمدت در حین کار در خارج از کشور با توجه به قدرت جذب و به کارگیری نیروی زنان با استفاده از تجارب

□ طی فاصله زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به دلیل فقدان توجه به مسائل اشتغال زنان، بیکاری آنان روند صعودی داشته به گونه‌ای که بیکاری در میان زنان در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵، ۴۰/۵ درصد رشد داشته است.

کشورهای صنعتی بویژه آلمان.

- استفاده از تجارب آلمان در زمینه

نشان دادن نقش زنان در محیط‌های کار.

- نحوه ساماندهی واحدهای خدمات

اشتغال و راهنمایی شغلی ویژه بانوان.

- طراحی سیستم جامع اطلاعاتی ناظر بر بازار کار.

- استفاده از تجارب المان در

زمینه‌های ایجاد فرصت‌های شغلی، حفظ

مشاغل موجود، پرداخت یارانه آشنایی با

کار، توسعه فرهنگ خویش‌فرمایی و

خوداشتغالی و بازار کار و توجه به

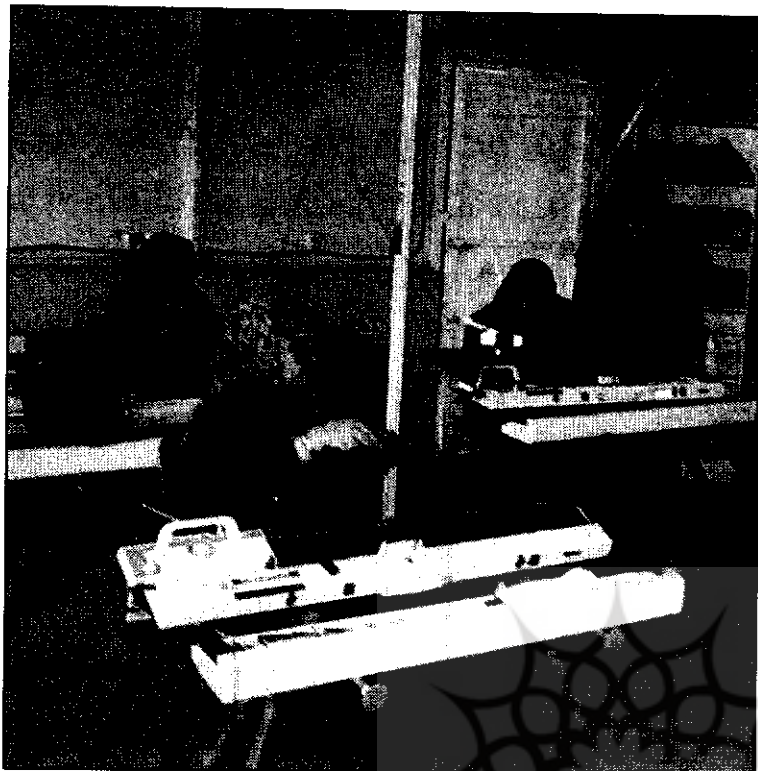
رشته‌های ویژه زنان.

- توجه به بُعد تغییر آموزش بازار و

آموزش‌های تکمیلی.

- تبادل اطلاعات در زمینه

اطلاع‌رسانی بازار کار.



□ بررسی وضعیت اشتغال زنان طی  
سالهای ۱۳۵۵ لغایت ۱۳۷۵ (شهری و  
روستایی):

در کشور ما مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف همواره مطرح بوده است. زیرا بیش از ۴۹ درصد کل جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند. حال آنکه در کل شاغلین ۶/۸٪ از جامعه شهری و ۵/۲٪ از جامعه روستایی را زنان شاغل تشکیل می‌دهند یعنی از میان ۱۴/۵۷۱ هزار نفر جمعیت شاغل کشور در سال ۱۳۷۵ فقط ۱/۷۶۴ هزار نفر زن شاغل وجود داشته است.

بررسی تعداد شاغلین زن در کل جمعیت شاغل طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که جمعیت شاغل کل کشور از سالهای ۱۳۵۵ به بعد افزایش داشته است و از ۸/۷۹۹ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۵۷۱ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است، درحالی که جمعیت زنان شاغل بین ۱/۲۱۲ هزار نفر تا ۱/۷۶۴ هزار نفر نوسان داشته است که با توجه به رشد چشمگیر جمعیت شاغل در کل کشور به نظر می‌رسد به طور عملی تحولی در جمعیت زنان شاغل رخ نداده و سهم زنان همواره رقمی حدود ۱۲ درصد جمعیت شاغل باقی مانده است. بیکاری زنان در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵، ۴۰/۵٪ رشد داشته است؛ در سال

گرایش خانواده‌ها به تحصیل دختران و گسترش پوشش تحصیلی زنان به خصوص در روستاها نشان‌دهنده آن است که در شرایط حاضر زمینه‌های لازم از سوی مسئولین کشور در جهت مشارکت زنان در جامعه فراهم شده است.

بار کمی و کیفی اشتغال زنان از بدو پیروزی انقلاب تا کنون افزایش نشان می‌دهد به طوری که تعداد شاغلان زن در سال ۱۳۷۵ به ۱/۷۶۵ هزار نفر رسیده است که نسبت به سال ۱۳۷۰ از رشدی معادل ۴۳/۳۹٪ برخوردار بوده است و این به آن دلیل است که پس از پیروزی انقلاب گرایش به حضور کیفی و کمی زنان در عرصه‌های اجتماعی بیشتر مدنظر بوده است. (جدول شماره ۳)

□ برای دستیابی به شناختی

صحيح از تنگناهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بازار و تحلیل دقیق از وضعیت موجود و همچنین ترسیم چشم‌انداز آینده بازار کار شناخت این بازار (عرضه و تقاضا) بسیار ضروری است.

۱۳۷۰ نیز بیکاری زنان افزایش یافته به طوری که نسبت به سال ۱۳۶۵ از رشدی معادل ۱۹/۵٪ برخوردار بوده است در حالی که بیکاری زنان در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۰ از کاهش ۳۱/۶ درصدی برخوردار بوده است. عوامل فرهنگی، افزایش میزان شهرنشینی،

بررسی وضعیت فعالیت زنان در سال ۱۳۷۵ نشان دهنده آن است که از ۲۲ میلیون نفر زن دهساله و بالاتر کشور جمعاً ۲۰۳۶ هزار نفر فعال بوده‌اند. در سال فوق میزان فعالیت زنان نسبت به کل جمعیت زنان ۶/۹٪ و نسبت جمعیت دهساله و بالاتر ۹٪ بوده است، که نسبت به جمعیت فعال سال ۱۳۷۰، ۲۵٪ افزایش نشان می‌دهد. (جدول شماره ۳)

□ روند نرخ مشارکت زنان در چند سال گذشته:

بطور قطع نرخ مشارکت زنان در فاصله سالهای ۷۵-۶۵ افزایش یافته است، اما قبل از پرداختن به محتوای این کمیت باید در نظر داشته باشیم که بالا بودن نرخ مشارکت زنان به تنهایی نمی‌تواند نشانه توسعه‌یافتگی باشد، آنچه باید از اهمیتی کافی برخوردار بوده و مورد توجه قرار گیرد، کیفیت و چگونگی نوع یا

سطوح مشارکت است. از نکات بارز این امر، افزایش زنان در مشاغل علمی و تخصصی می‌باشد. به طوری که در سال ۱۳۷۰ رقمی معادل ۳۲/۵۷ درصد برخوردار بوده است.

متقابلاً حضور زنان در مشاغل کلیدی و بالای جامعه با توجه به آمارهای موجود بسیار اندک است. در بخش مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری و کارکنان امور

جدول شماره ۳- جمعیت زنان دهساله و بالاتر بر حسب فعالیت در مناطق شهری و روستایی طی سالهای ۷۵-۱۳۵۵

سال	جمعیت زنان ده ساله و بالاتر			جمعیت فعال زنان			جمعیت شاغل			جمعیت بیکار جویای کار	
	جمع	مناطق شهری	مناطق روستایی	جمع	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری
۱۳۵۵	۱۱/۲۰۶/۰۸۵	۵/۴۱۰/۱۸۳	۵/۷۹۵/۹۰۲	۲۸۹/۲۹۸	۹۵۹/۷۰۸	۱/۲۱۲/۰۲۰	۲۶۰/۰۰۷	۷۵۲/۰۱۳	۲۳۶/۹۸۶	۲۹/۲۹۱	۲۰۷/۶۹۵
۱۳۶۵	۱۶/۰۳۲/۸۷۵	۸/۸۷۹/۱۸۱	۵/۰۸۷/۱۰۳	۷۴۱/۳۱۷	۵۶۱/۹۰۷	۵۲۴/۱۸۰	۵۲۴/۱۸۰	۴۴۶/۱۵۸	۳۳۷/۶۰۲	۲۱۶/۴۶۷	۱۱۵/۶۴۵
۱۳۷۰	۱۸/۶۵۷/۷۷۰	۱۰/۸۱۸/۷۷۹	۷/۷۲۵/۳۰۹	۹۵۸/۵۴۱	۶۶۱/۵۲۷	۷۵۲/۰۰۵	۴۷۴/۰۱۱	۴۷۴/۰۱۱	۳۹۸/۴۱۶	۲۰۶/۵۳۶	۱۸۷/۵۲۶
۱۳۷۵	۲۲/۳۷۹/۳۳۶	۱۳/۹۳۲/۴۶۵	۸/۴۴۷/۵۲۶	۲/۰۳۶/۹۶۷	۱/۱۳۲/۹۸۵	۱/۷۶۵/۴۰۲	۹۹۱/۳۹۱	۷۶۵/۵۱۵	۲۷۱/۵۶۵	۱۴۱/۵۹۴	۱۲۸/۴۶۵

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن - مرکز آمار ایران.

توجه: در جدول بالا افراد غیرساکن شاغل و بیکار جویای کار در کل منظور شده است.

بازرگانی تعداد بسیار کمی از زنان در مقابل انبوه شاغلان مرد قرار دارند. در سال ۱۳۷۳ از مجموع ۱/۹۷۴ هزار نفر شاغل در بخش خدمات دولتی، ۵۸۲ هزار نفر (معادل ۲۹/۵ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. با این تفاوت که ۲۴/۳ درصد از زنان شاغل در بخش دولتی دارای

تحصیلات دانشگاهی هستند و این میزان برای مردان رقمی کمتر از ۱۰ درصد است.

برطبق جدول شماره (۴) نرخ مشارکت زنان در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است و از ۱۳/۹٪ در سال ۱۳۵۵ به ۸/۲٪ در سال

۱۳۶۵ رسیده است ولی از آن سال به بعد نرخ مشارکت زنان افزایش داشته است به طوری که در سال ۱۳۷۰ به ۸/۷٪ و در سال ۱۳۷۵ به ۹/۱٪ رسیده است. این تغییرات در واقع به دلیل تغییر در بافت فرهنگی و اجتماعی کشورمان صورت گرفته است.

جدول شماره ۴

جمعیت فعال (شاغل + بیکار جویای کار)					جمعیت ۱۰ ساله به بالا	جنس	سال
نرخ بیکاری (درصد)	بیکاران	شاغلین	نرخ مشارکت درصد	جمعیت فعال			
۱۰/۲	۹۹۷	۸۷۹۹	۴۲/۶	۹۷۹۶	۲۳۰۰۲	جمع	
۹/۱	۷۶۰	۷۵۸۷	۷۰/۸	۸۳۴۷	۱۱۷۹۶	مرد	۱۳۵۵
۱۶/۴	۲۳۷	۱۲۱۲	۱۳/۹	۱۴۴۹	۱۱۲۰۶	زن	
۱۴/۲	۱۸۱۹	۱۱۰۰۲	۳۹	۱۲۸۲۱	۳۲۸۷۴	جمع	
۱۲/۹	۱۴۸۶	۱۰۰۲۶	۶۸/۴	۱۱۵۱۲	۱۶۸۴۱	مرد	۱۳۶۵
۲۵/۴	۳۳۳	۹۷۶	۸/۲	۱۳۰۹	۱۶۰۳۳	زن	
۱۱/۱	۱۶۶۰	۱۳۰۹۷	۳۸/۱	۱۴۷۳۷	۳۸۶۵۵	جمع	
۹/۵	۱۲۴۲	۱۱۸۶۶	۶۵/۵	۱۳۱۰۸	۱۹۹۹۷	مرد	۱۳۷۰
۲۴/۴	۲۹۸	۱۲۳۱	۸/۷	۱۶۲۹	۱۸۶۵۸	زن	
۹	۱۴۵۶	۱۴۵۷۱	۳۵	۱۶۰۲۷	۴۵۴۰۱	جمع	
۸/۵	۱۱۸۴	۱۲۸۰۶	۶۰/۸	۱۳۹۹۰	۲۳۰۲۱	مرد	۱۳۷۵
۱۳/۴	۲۷۲	۱۷۶۵	۹/۱	۲۰۳۷	۲۲۳۷۹	زن	

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن - مرکز آمار ایران

### راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال

#### زنان

بهبود وضعیت اشتغال و پارامترهای مؤثر بر آن به طور کلی بر اشتغال زنان و مردان در بازار کار تأثیرگذار خواهد بود. راهبهای مؤثر به اشتغال را می‌توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد.

الف - از دیدگاه کلان این را می‌توان به دو دسته عوامل درون‌زا و بیرون‌زا و بر روی‌زای مؤثر بر اقتصاد کشور تقسیم کرد.

در خصوص متغیرهای بیرون‌زا می‌توان به مواردی نظیر بحرانهای اقتصادی در نقاط مختلف و رکود اقتصاد جهانی، تحولات قیمت بین‌المللی نفت، کاهش

#### □ در سالهای اخیر فشار بر بازار

**کار و تقاضا برای مشاغل از سوی دو گروه از زنان بیشتر مطرح بوده است. گروه اول زنان تحصیلکرده و آموزش دیده در سطح عالی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و گروه دوم زنان فاقد مهارت و دانش فنی.**

ارزش صادرات و... اشاره کرد و متغیرهای درون‌زا نیز که خود به دو دسته متغیرهای تأثیرگذار در طرف تقاضای کل و متغیرهای طرف عرضه کل مانند کاهش درآمدهای ارزی، کمبود درآمد بودجه

دولت، کسری بودجه و استقراض، افزایش مالیاتها و نقدینگی در نهایت بیکاری و تورم نام برد.

ب - چنانچه از دیدگاه خرد به قضیه بهبود وضعیت اشتغال و بیکاری با تمرکز بر وضعیت قشر خاص زنان بنگریم، موارد به شرح ذیل قابل طرح است:

۱- رقابت در عرضه نیروی کار در مقایسه با تعداد اندک تقاضا:

کمبود فرصتهای شغلی در کشور برای زنان باعث می‌شود این قشر حاضر به استخدام با حقوق پائین‌تر از حداقل دستمزد جهت دستیابی به فرصت شغلی در این رقابت شوند و سایر افراد هم به

دلیل عوامل مختلف نظیر میزان تحصیلات و... مدتهای زیادی در انتظار کار (بیکار) بمانند. بنابراین، بهبود وضعیت قانون حاکم و ناظر بر این امر الزامی است. همچنین برقراری سیستم نظارتی و کنترلی پیشرفته با هدف توزیع عادلانه فرصتهای شغلی بین زنان و مردان توسط یک مجری یا سازمان ویژه با همکاری با سایر دستگاهها، نهادها و سازمانها ملزم به تحقق و تصویب مواد قانونی الزام آور می باشد.

۲- وجود ضعف فرهنگی و اجتماعی بین زنان با پیشینه تاریخی که به چشم پوشی آنها از حقوق حقه و قانونی خود به دلایل مختلف نظیر ترس و وابستگی حمایتی منجر می شود. در این ارتباط نیز ارتقاء سطح اطلاعات و آگاهیهای عمومی و دانش زنان در زمینه حقوق قانونی آنان ضروری است.

۳- عدم تکافو و حتی عدم وجود امکانات مناسب برای راهنمایی و هدایت شغلی و حرفه ای زنان نظیر کمبود تعداد مراکز خدمات اشتغال (کار یابیها) در سطح کشور و کمبود پرسنل شاغل در کار یابیهای موجود همچنین عدم انگیزه و دانش فنی و علمی در بین کارکنان موجود به منظور اثربخشی در امر راهنمایی شغلی با هدف شناسایی استعدادها و تواناییهای افراد و کمک به هدایت آنها به

مشاغل مرتبط و هدفدار و جلوگیری از هرز رفتن نیروی کار.

۴- پایین بودن ارزش پول و دستمزد دریافتی در مقابل نرخ بالای تورم و بهره که در نتیجه باعث بالا رفتن هزینه های معرفی نسبت به درآمدهای کسب شده می شود و این امر برای خانوارهای بی سرپرست بسیار مشکل بوده و به دنبال خود ورود سایر افراد خانواده به بازار کار (افزایش تقاضای شغل) جهت جبران کمبودها به همراه دارد. بنابراین برقراری سیستم حمایتی و تأمین اجتماعی قوی و اولویت اشتغال برای زنان سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنها برای تأمین کسری بودجه خانوار ضرورت می یابد. لازم به توضیح است که این امر در خصوص سایر خانوارهای معمولی نیز صادق است که در نهایت حاصل آن چندپیشگی و اشتغال فرصتهای شغلی توسط یک نفر و یا تعدد اشتغال افراد یک خانوار را به دنبال دارد.

۵- ضعف موجود در وضعیت آموزشی کشور و کاربردی نبودن آموزشها در تمامی سطوح عالی، دیپلم، آموزشهای فنی و حرفه ای و... باعث عدم تطابق نیازهای بازار کار با نیروی کار موجود عرضه شده و سبب از دست دادن فرصتهای شغلی و عدم جذب فرصتهای شغلی و پائین آمدن سطح به کارگماری می شود. دلایل

مختلف این امر را می توان در عدم هماهنگی و همکاری سازمانها و دستگاهها با یکدیگر (درون سازمانی و برون سازمانی)، عدم انجام مطالعات و تحقیقات در زمینه شناسایی کمبود و مازاد نیروی انسانی در بازار کار و... دانست.

شایان توجه است که لازم است این امر به عنوان نخستین گام - شناسایی واقع گرا از وضعیت موجود، نیازها و کمبودها، نقاط قوت و ضعف در اشتغال زنان در کشور به همراه انجام تحقیقات و مطالعات بنیادی در این خصوص جهت برنامه ریزی های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و تبیین شرایط موجود با ارزیابی مدارک و شواهد مستند خواهد بود.

در پایان قابل ذکر است:

اگر فرصتهای شغلی مناسب برای زنان رشد قابل توجهی داشته باشد بسیاری از زنان که در حال حاضر خارج از بازار کار قرار دارند به جمعیت فعال کشور خواهند پیوست و با توجه به شمار فزاینده زنان در مقاطع مختلف تحصیلات متوسطه و عالی قطعاً در آینده زنان نقش بزرگی در بازار کار ایران و بالطبع در توسعه اقتصادی کشور خواهند داشت.

اگر به استعدادهای بالقوه زنان توجه شود یکی از منابع سرمایه گذاری برای کشورهای در حال توسعه خواهند بود.